



محرم در کلام یار

«... محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است. فداکاری سیدالشهداء سلام الله علیه است که اسلام را زنده نگه داشته است. زنده نگه داشتن عاشورا با همان وضع سنتی خودش از طرف روحانیون، از طرف فطبا با همان وضع سابق و از طرف توده‌های مردم با همان ترتیب سابق که دسته‌های معظم و منظم، دسته‌های که به عنوان عزاداری راه می‌افتاد (این است که اسلام را زنده نگه داشته است)».

صفحه نور، ج ۵، ص ۲۰۴

فرازی از زیارت ناحیه مقدسه

... سلام بر آن کسی که میکائیل در گهواره با او تکلم می‌نمود، سلام بر آن کسی که عهد و پیمان‌ش شکسته شد، سلام بر آن کسی که پرده حرمتش دریده شد، سلام بر آن کسی که خونتش به ظلم ریخته شد، سلام بر آنکه با خون زخم‌هایش شست و شو داده شد، سلام بر آن که از جام‌های نیزه‌ها جرعه نوشید، سلام بر آن مظلومی که خونتش مباح گردید، سلام بر آنکه در ملاء عام سرش بریده شد، سلام بر آنکه اهل قریه‌ها دفنش نمودند، سلام بر آنکه شاهرگش بریده شد، سلام بر آن مدافع بی یاور، سلام بر آن محاسن به خون خضاب شده، سلام بر آن گونه‌ی خاک آلوده، سلام بر آن بدن برهنه، سلام بر آن دندان چوب خورده، سلام بر آن سر بالای نیزه رفته، سلام بر آن بدن‌های برهنه و عریانی که در بیابان‌ها(ی کربلا) گُردگ‌های

تجاوزگر به آن دندان می‌آلودند، و درندگان خونخوار بر گرد آن می‌گشتند، سلام بر تو ای مولای من و بر فرشتگانی که بر گرد بارگاه تو پر می‌کشند، و اطراف تربتت اجتماع کرده‌اند، و در آستان تو طواف می‌کنند، و برای زیارت تو وارد می‌شوند.



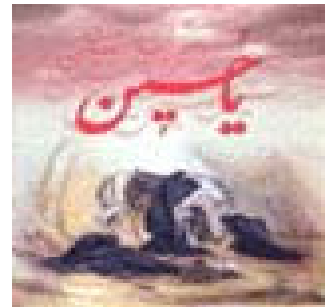
محرم آخرین ماه جهان است.

وقتی قرار شود از شام غریبان شهدای کربلا بنویسی، وقتی توفیق داشته باشی تا خامه را در وصف گل‌های پرپر دشت نینوا بر تن کاغذ روانه کنی، وقتی تو هم لایق حضور در خیمه ابا عبدالله(ع) را پیدا کنی باید هم حس و حالی داشته باشی شام غریبانی ... و چقدر باید بگردی کنار یک شمع تا در پناهش اشک بریزی ... سری به نیزه بلند است در برابر زینب خدا کند که نباشد سر برادر زینب نه مرکبی نه رکابی، امان ز ناکه‌ی عربان چرا دوباره نیامد امیر لشکر زینب نه قوتی نه توانی میان آن همه دشمن نه مرهمی که نشیند به قلب مضطر زینب از تراوش عشق تو که ترجمان وصال سرخ است، کلک را سرگردان بر سپیدی کاغذ می‌نهم تا لابلای خیمه‌های اقلیم دلم، خیمه‌ی رفاقت را بیابم و در کنارت زانوی ادب بر زمین بگذارم و در کوی عشق، زیر لوایت، مأوا بگیرم. ... و حال گویاست، اگر تیغ زبان گویا نیست. که ما پای بسته و بال شکسته، در قفس جانکاه گناه، دست و پنجه نرم می‌کنیم و سرگردانیم در حیرانی مسیرا!

عجب جاذبه‌ای و بارقه‌ی شوقی به دلم میهمان کردی که ملک محبت مرا از همه‌ی علایق رسته است. تمام وجودم موج التماسی می‌شود و شاید همه چیز را از نگاهم می‌خوانی که

سالیان دراز، گناهان بی‌شمار و عشق خاکی، مصلوبمان کرده و عشق افلاکی سرسپردگان تو را در دیده‌هایمان کم رنگ کرده است! اما بدان که هرسال محرم، عشق تو سیاهپوشمان می‌کند.

می‌دانم که بودن با تو در بیابان بلاخیز کربلا، عبور از هفت شهر عشق را طلب می‌کرد و عبور از دیر و خانقاه را، که تو سرسپردگان رسن عشق می‌خواستی و جانب‌داران با وفا، که سنگینی گناه، کمرشکنمان کرده بود و یارای لیبک به ندای



آسمانی ات نبود.

چرا عاشورا را گرمی

می‌داریم؟

حادثه‌ی عاشورا، از یک سو بیدارگر وجدان ما و برانگیزنده‌ی انسان‌ها برای مبارزه با ستم و زور بود و از سوی دیگر رسواکننده‌ی حاکمانی که از جهل و غفلت مردم، بهره می‌گرفتند.

مظلومان از این حماسه درس و پیام می‌گرفتند و ظالمان از مطرح بودن عاشورا و پیام‌هایش وحشت داشتند. پس این بود که فعالیت‌هایی برای یادآوری و ذکر و طرح و تعظیم و تکریم از سوی اهل بیت(ع) انجام می‌شد تا از یادها نرود و تأثیرگذاری مداوم خود را داشته باشد. استفاده از مجالس برای احیای خط ائمه، توصیه‌ی خود آنان بوده است.

همچنین رفتن به زیارت قبر سیدالشهدا(ع) که احادیث فراوان و پاداش عظیم دارد. زیرا با زیارت آن امام همام، همدلان خطر سرخ عاشورا گرد هم می‌آیند و بر سر مزار شهید با خون و راه و هدف

شهید پیمان می‌بندند و از زندگی و شهادت آنان درس و الهام می‌گیرند.

انشاءالله که همه‌ی ما ادامه دهنده‌ی راه شهدای کربلای حسینی و شهدای کربلای خمینی باشیم.



امام حسین(ع):

- هیچ کار خوبی را برای این که مردم تعریف تو کنند، انجام مده و به خاطر فعالیت، آن را ترک مکن.

- بشنیده‌ترین مردم کسی است که به کسی بفشد که امید بفشش از او ندرد.

- نیازمندی‌های مردم به سویی شما از نعمت‌های فراواندی است از این نعمت‌ها رو نگرانید.

- کسی که رضای خدا را طلب کند، فرزند او را از امور مردم کفایت می‌کند.

- کسی که در مردم عیب بویی نکند از عذرخواهی نیز بی نیاز است.

- زبان از غیبت باز دار که غیبت لقمه سگان دوزخ است.

- در روز قیامت در امان نیست یزید کسی که در دنیا از خدا بترسد.

- بهره‌یز از تکرار قضا و پژوهش طلبی، زیرا مومن بد نمی‌کند تا پژوهش طلبد.

- تکبر، خودپسنی و شتابزدگی نشانه بی‌عقلی است.

- فرزند در هستی ییزی فایز نگرند مگر آن که با ذکر خاصی خدا را حمد و سپاس می‌گوید.

- پیش از پند دادن پند بپذیر و پیش از آن که بیدارت کنند، بیدار باش.